

# حق برابری در اندیشه شهید مزاری



حمید زکی

## چکیده



انسان فارغ از نژاد، زبان، رنگ، اقلیم و مذهب دارای حقوق انسانی است، یکی از حقوق بنیادین انسان، حق برابری است، حق برابری انسان، ریشه قرآنی دارد و در اسناد حقوق بشری مورد توجه است. مساوات و تحقق عدالت از اهداف مبارزان عدالت خواه در طول تاریخ بوده است. شهید مزاری به عنوان چهره عدالت خواه معاصر، خواستار تحقق برابری و گذاشتن نقطه پایان به نابرابری ها بود. در این مقاله حق برابری، از دیدگاه شهید مزاری مورد بررسی قرار گرفته است.

## مقدمه

حقوق بشر به طور عام و حق برابری به طور خاص، از مهم ترین اهداف عدالت خواهان در طول تاریخ است. پیامبران الهی و مبارزان راه رهایی، حق تساوی، مبارزه علیه تمام اشکال تبعیض سرلوحه پیکارشان بوده اند. شهید مزاری افزون بر خواهان استواری حقوق انسان؛ حق تساوی و نفی انحصارگرایی از مهم ترین اهداف او بود. بحث حق برابری در شرایط فعلی که اقوام و احزاب با فزون خواهی بر ستم و تبعیض، خواسته و یا ناخواسته پای می فشردند، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مقاله، نگاهی کوتاه به حق برابری و تساوی به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های حقوق انسان، در اندیشه شهید مزاری داریم.

## ۱. مفهوم حق تساوی و برابری

حق تساوی و برابری؛ به مفهوم نفی تبعیض و برتری شخصی بر شخص دیگر، بدون دلیل معقول و شرعی است. منظور از حق تساوی و برابری این است که قانون و حکومت نگاه مساوی و برابر نسبت به شهروندان داشته باشد و اشخاص و اقوام ساکن در کشور به جهت رنگ، نژاد، مذهب و زبان، مورد تبعیض نباشند.

تساوی و برابری یکی از حقوق بنیادین و اساسی انسان است و انسان از حیثی که انسان است، در برابر قانون از حق تساوی و برابری برخوردار است.

## ۲. شهید مزاری

شهید مزاری پیشوای عدالت خواهی در مبارزات رهایی بخش در کشور و چهره آشنای حق خواهی در میان سایر چهره های

مبارز و مصلح در نیم قرن اخیر جهان است.

مبارزه شهید مزاری، مبارزه مکتبی، استوار بر اندیشه دینی و اهداف والایش برخاسته از بینش و درک عمیق او از اسلام و شرایط و احوالات زمانش بود. او عالم وارسته و برخاسته از خانواده مذهبی و متدین بود که نخستین تربیت‌گاه او پس از خانواده، مدرسه دینی «نانوایی» در شمال کشور بود. (دولت آبادی، ۱۳۸۵: ۴۴۳) و از سایه سیاه نابرابری و تبعیض که کشور را فراگرفته بود به شدت رنج می‌برد.

او در دوران مقاومت غرب کابل یک لحظه مردمش را تنها نگذاشت. بر سر احقاق حقوق انسانی مردمش، در قالب نظام مطلوب مردمی، دینی و اسلامی استوار ایستاد. فریاد برابری و نفی تبعیض و انحصار را با تکیه بر اصل صلح و همزیستی، هم‌پذیری و گفت‌وگو با تمام وجود و توان فریاد کشید.

### ۳. حق تساوی در آموزه‌های اسلامی و اسناد حقوق بشری

حق تساوی در آموزه‌های اسلامی و اسناد حقوق بشری، همانند حق کرامت انسانی، حق حیات و زندگی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق بشر به شمار می‌روند. انسان از حیثی که انسان است، همگی در برابر قانون مساوی و برابرند و از امتیاز یکسان برخوردارند.

در آموزه‌های اسلامی، انسان مخلوق و در آفرینش، به اصل واحدی بر می‌گردند و همگی از «نفس واحد» خلق شده‌اند. در آموزه‌های اسلامی، اختلاف در رنگ، نژاد، زبان، زادگاه و اقلیم منشأ امتیاز و برتری یکی بر دیگری نیست. همگی همانند دندانه‌های شانه برابرند. نژاد، قبیله، تبار، زبان و رنگ امتیاز به شمار نمی‌رود، برترین انسان‌ها، با تفاوت‌ترین آن‌ها هستند؛ تقوا هم، بستگی به فعالیت، رفتار و منش انسان دارد. وگرنه همگی به حسب فطرت و خلقت برابرند و از حق حیات، حق زندگی، حق تعلیم و آموزش، حق صحت و رفاه و آسایش، به طور مساوی برخوردارند و بدون ملاحظه زبان، مذهب، سمت، قوم و نژاد، حق دسترسی به حقوق انسانی خویش را دارند. انسان از حیثی که انسان است در برابر قانون مساوی است.

از دیدگاه اسلام اصل برابری انسان‌ها به عنوان یک حق بنیادین مطرح است. (سلیمی، ۱۳۹۲: ۳۶۶) و آفریدگار همه، خداوند واحد و یکتا است. (بقره/۱۶۳، نحل/۲۲). در مبدأ آفرینش انسان هیچ تبعیض و تفاوتی وجود ندارد. (نساء/۱). حق برابری انسان در اعلامیه اسلامی حقوق

بشر در ماده یک بند الف مورد توجه قرار گرفته است و مردم را در اصل شرافت انسانی، مساوی و بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ، یا زبان، یا جنس با اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره برابر دانسته است. همچنین این اعلامیه، تمام افراد بشر را از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابر دانسته است. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده ۱).

حق تساوی در برابر قانون در ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده است. «همه در برابر قانون مساوی‌اند و حق دارند بدون هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند...» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده ۷).

### ۴. حق تساوی و برابری در کلام شهید مزاری

حق تساوی و برابری در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مکتوب و غیرمکتوب رهبر شهید به طور مبسوط بیان شده است. در این جا از دو زاویه نگاهی به آن‌ها می‌اندازیم:

### الف. شهید مزاری روایت‌گر نابرابری و محرومیت هزاره‌ها

شهید مزاری، حق برابری را برای شهروندان به ویژه برای ملیت‌های محروم، حق طبیعی و حق انسانی آن‌ها و نابرابری را پدیده ظالمانه می‌دانست. او همواره بر احقاق حقوق بنیادین و انسانی مردمش پا می‌فشرد. تحقیر و تبعیض‌های نژادی را مخالف حقوق انسانی و بشری می‌دانست. ایشان محرومیت از حقوق انسانی هزاره‌ها را این‌گونه روایت می‌کند: «وقتی که ۶۲٪ مردم ما نابود شدند، از آن تاریخ تا حالا که بیش از صد سال می‌شود، ما محروم بودیم، تحقیر می‌شدیم.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۲۱۳). در دیدگاه رهبر شهید، مردمش بیش از یک‌صد سال از حقوق انسانی‌شان محروم بوده‌اند و مورد تحقیر و توهین قرار می‌گرفته‌اند و توهین و تحقیر نوعی از تعرض به حق کرامت انسان است. شهید مزاری روایت‌گر نوعی دیگر از تعرض به حقوق انسانی هزاره‌ها است و آن محرومیت از دسترسی به آزادی مذهبی و مناسب و تجارت، محرومیت از حق شغل و کار و نیز عیب بودن هزاره بودن که بدترین نوع تبعیض و تعرض به حقوق انسانی است. او می‌گفت: «هزاره بودن عیب بود، شیعه بودن عیب بود، تعمد بود که ما را مکتب نگذارند، ما را نگذارند به کار کردن و تجارت، آن‌چه که در این جامعه امتیاز به حساب می‌رفت، ما محروم بودیم.» (همان: ۲۱۳). شهید مزاری محرومیت

رهبر شهید راه‌رهایی از اسارت، محرومیت و نابرابری را در هشیاری، مقاومت، بیداری و در وحدت و هماهنگی مردمش جست‌وجو می‌کرد و می‌گفت: «اگر کوچک‌ترین غفلت کنیم، باز اسارت سیصد ساله



تکرار می‌شود.»



و پیوند امکان‌پذیر است. از این‌رو، شهید مزاری برای نفی تبعیض و نقطه پایان گذاشتن به محرومیت و نابرابری سیصد ساله مردمش، بزرگ‌ترین حماسه را در تاریخ خلق کرد و احزاب و گروه‌های گوناگون مردمش را در سیمای حزب وحدت با تلاش دلسوزانه همکاران و همسنگران‌شان متحد و هماهنگ ساخت.

### ب. حق خواهی و مبارزه با تبعیض و نابرابری

مهم‌ترین اهداف مبارزه شهید مزاری، حق خواهی و از بین بردن تبعیض و نابرابری بود. او بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش در دوره‌های مختلف مبارزه‌اش، تأکید بر حق خواهی و از بین بردن نظام تبعیض و امتیازطلبی‌های فاشیستی و قبیله‌ای داشت.

او حق حیات و زندگی، حق دسترسی به تحصیل و مشاغل ارزشمند، حق برخورداری از کرامت و عزت، حق مشارکت در قدرت و نقش مردم و حضور نمایندگان مردمش را در قانون‌گذاری، حق برابری مردمش را در برابر قانون، حق آزادی در مناسک مذهبی و به رسمیت شناخته شدن مذهب جعفری را از حقوق طبیعی و شهروندی مردمش می‌دانست و در عین حال تأکید بر حق خواهی تمامی ملیت‌ها و اقوام داشت. او بارها تأکید می‌کرد که نه آغازگر جنگ است و نه طرفدار جنگ، ولی به مردمش تعهد سپرده است که از حقوق انسانی مردم دفاع کند و در برابر تبعیض و نابرابری بایستد. شهید مزاری در عین حالی که مدافع و خواهان حقوق مردمش بود، حق خواهی او هرگز به معنای نفی حقوق سایر اقوام ساکن در کشور نبود، او همیشه تأکید می‌کرد که ما نفی دیگر اقوام را نمی‌کنیم، شهید مزاری خود را مدافع حقوق ملیت‌های محروم در کشور می‌دانست. ایشان از ستم‌ها و فسادهای نظام گذشته سخت بیزار بود و همواره تأکید بر برادری و اخوت اسلامی داشت. عدالت، برابری و برادری برای همه می‌خواست. او رعایت حقوق اقوام و ملیت‌های موجود در کشور را تفسیر به برادری و اخوت اسلامی داشت. او خودش را تنها متعهد به دفاع از

هزاره‌ها را از حق تحصیل در مراکز تعلیمی و آموزشی که از اهمیت خاص برخوردار است، این‌گونه روایت می‌کند: «در زمان شاه محمود خان رسماً مکتوب می‌نویسد به وزارت فرهنگ که بچه‌های هزاره و شیعه را در مکتب حربی پوهنتون و مکتب‌های ارزش‌دار نگیرد، شما این محرومیت را تیر کردید. شما غیر از این که جوالی کشی بکنید، بار پشت بکنید، در این مملکت دیگر ارزش نداشتید. (همان: ۲۱۳). در حالی که حق دسترسی به شغل مناسب از حقوق انسانی هر شهروند است؛ ولی در رژیم‌های تبعیض‌گرای گذشته، بخشی از مردم قربانی نظام نژادی و فاشیستی تبعیض‌گرا بود. تبعیض و نابرابری نژادی و مذهبی آن قدر رنج‌آور بود که رهبر شهید در سخنرانی‌های عمومی می‌گفت: «شما... در این جا تحقیر می‌شدید، توهین می‌شدید، مسخره می‌شدید...» (همان: ۲۱۳). در حالی که تحقیر، توهین، استهزاء و مسخره، افزون بر این که از گناهان کبیره و در آیات قرآنی به شدت نهی شده است؛ نوعی از نقض و تعرض به کرامت بشری است؛ ولی در نظام تبعیض‌گرای گذشته کشور، بخشی از مردم به جرم تعلق به مذهب، نژاد و زبان خاص مورد تحقیر و توهین قرار می‌گرفتند.

رهبر شهید راه‌رهایی از اسارت، محرومیت و نابرابری را در هشیاری، مقاومت، بیداری و در وحدت و هماهنگی مردمش جست‌وجو می‌کرد و می‌گفت: «اگر کوچک‌ترین غفلت کنیم، باز اسارت سیصد ساله تکرار می‌شود.» (همان: ۳۳). منظور شهید مزاری از هویت، همان هستی و وجود مردمش هست؛ زیرا حقوق انسان با هستی انسان رقم می‌خورد، اگر کسی هویت و هستی داشت، از حقوق برخوردار است. زمانی که شخص و یا هرکسی از هویت و هستی خود برید، از حقوق خودش نیز محروم می‌شود، چیزی به حساب نمی‌آید، هویت و وجود مردم در دیدگاه شهید مزاری ارزان به دست نیامده است؛ با سپری کردن یک دوران محرومیت سیصد ساله و با مقاومت چهارده سال در برابر بزرگ‌ترین قدرت جهانی و ایستادگی برای تثبیت و اثبات هویت، به دست آمده است. حفظ هویت با هماهنگی

شهید مزاری همواره منتقد مظالم و تبعیض‌های نظام‌های گذشته افغانستان بود و تکیه بر برابری و برادری داشت. پایان نظام تبعیض و نابرابری، امتیازات و تفاخر قبیله‌ای، تحقق عدالت، برادری و برابری از اهداف کلان او بود. ایشان تأکید می‌کرد که «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است.» (همان: ۶۸-۶۹). از منظر شهید مزاری، برادری و برابری، رسیدن ملت‌ها به حقوق‌شان است، برادری یعنی تأمین حقوق ملیت‌ها.

### نتیجه‌گیری

حق تساوی و برابری، یکی از مؤلفه‌های مهم حقوق بشر و مهم‌ترین انگیزه و هدف مبارزان در طول تاریخ است. مبارزه با تبعیض، نابرابری، تحقق عدالت و انصاف، سرلوحه مبارزات پیامبران الهی در دوره‌های مختلف بوده است. شهید مزاری با تکیه به حقوق فطری و طبیعی و با استفاده از آموزه‌های قرآنی، خواستار حقوق طبیعی و انسانی مردم‌ش بود و خواستار پایان یافتن تمام اشکال تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در نظام سیاسی افغانستان بود. شهید مزاری با اعتقاد به اخوت اسلامی، تحقق برادری و برابری اقوام و ملیت‌ها را در رسیدن به حقوق‌شان می‌دانست و نظام فدرالی را بهترین مکانیزم برای تحقق حقوق اقوام و ملیت‌ها و مهر پایان گذاشتن به تبعیض‌ها و امتیازخواهی‌ها می‌خواند. در اندیشه شهید مزاری، تنها راه حل بحران کشور، رسیدن اقوام و ملیت‌ها به حقوق‌شان و از بین رفتن تبعیض و امتیازطلبی‌های مذهبی، نژادی، زبانی و غیره است.

### منابع

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر. مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸. مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
۲. دولت‌آبادی، بصیر احمد (۱۳۸۵). هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت (چاپ اول). قم: ابتکار دانش.
۳. سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۲). درسنامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۴. غفاری لعلی، عبدالله (۱۳۹۶). فریاد عدالت: مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری. کابل: بنیاد اندیشه.
۵. قرآن کریم.
۶. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۷۴). احیای هویت: مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید عبدالعلی مزاری (چاپ اول). کابل: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (سراج).

حقوق هزاره‌ها نمی‌دانست؛ بلکه مدافع حقوق همه ملیت‌ها می‌دانست. او می‌گفت: «باید این مردم محروم، حق زندگی کردن، حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشد... روی این مسئله می‌ایستیم، پافشاری می‌کنیم.» (همان: ۲۱). رهبر شهید در این قسمت از گفتارش اشاره به محرومیت مردم‌ش از حقوق‌شان را دارد. اساسی‌ترین حق انسانی مردم، حق حیات و زیستن است، حق مشارکت در تعیین سرنوشت که همان حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری و حق مشارکت در قانون‌گذاری است که حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن باشد. شهید مزاری سرزمین افغانستان را سرزمین و جای زندگی مردم‌ش می‌داند که برای آزادی و رهایی‌اش مبارزه کرده است: «ما سرزمین افغانستان را سرزمین مان می‌دانیم... برای آزادی‌اش بیش از یک میلیون شهید دادیم، و جب به جب از این میهن را دفاع می‌کنیم و بدین معنا نیست که ما حق نداشته باشیم.» (همان: ۲۱). شهید مزاری خودش را متعهد به دفاع از حقوق مردم‌ش می‌داند، چه حقوق سیاسی باشد و چه حقوق مذهبی، او خود را متعهد می‌داند که هرگز روی حقوق مردم‌ش معامله نکند و در خطاب به مردمان سرزمینش می‌گوید: «به شما مردم تعهد کردم که حق شما را می‌خواهم و تعهد کردم که در رابطه با حقوق سیاسی و مذهبی شما مردم هیچ‌وقت وارد معامله نشوم و خیانت نکنم... امیدوارم که در آینده هیچ کس نتواند سر شما معامله کند.» (همان: ۶۳). رهبر شهید تنها مدافع حقوق هزاره‌ها نبود؛ بلکه خواستار حقوق همه اقوام و خواهان حق زندگی همه آن‌ها بودند که همه در کنار یکدیگر برادروار در صلح و آسایش زندگی کنند و می‌گفت: «هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه... در این مملکت برادروار زندگی کنند. به حقوق‌شان برسند و هرکس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد و دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است و خلاف رسوم بین‌المللی است.» (همان: ۳۳). او بارها تأکید بر برادری، برابری و تساوی حقوق شهروندان افغانستان داشت و خواهان حقوق اقوام و زندگی مسالمت‌آمیز و برادروار در کنار یکدیگر بود. (همان: ۱۴۷). رهبر شهید حقوق ملیت‌ها را به طور مساوی و برابر به تناسب نفوس می‌خواست. (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۱) ... در حکومت آینده همه به حقوق خود برسند و ما معیار نفوس را که معیار بین‌المللی هست معتبر می‌دانیم.» (همان: ۱۳۴)